

مبانی وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر در آراء دیوان عدالت اداری

سارا نظر نیا^۱، حسین منصوری^۲، سمیرا مرادی^۳

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق، دانشگاه تبریز.

^۲ کارشناس فوریت‌های پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام.

^۳ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته حقوق، دانشگاه تبریز.

نام نویسنده مسئول:

سارا نظر نیا

چکیده

هدف از ارائه این پژوهش مروری بر مبانی وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر در آراء دیوان عدالت اداری می‌باشد. سوالی که در صدد پاسخگویی به آن در تحقیق برآمده شد؛ چگونگی وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر می‌باشد. جامعه مورد مطالعه، پرونده‌ها و منابع پیشین در ارتباط با موضوع بود که از روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بدست آمد. همچنین برای اطمینان از دو اصل مطرح شده در تحقیق از آراء دیوان عدالت اداری در خصوص عوارض بر ارزش افزوده استفاده گردید. نتایجی که بدست آمد نشان می‌دهد که وضع عوارض در حدود اختیارات شوراهای اسلامی شهر می‌باشد و شوراها باید مطابق قانون این امر را انجام دهند. نظارت بر اجرای قانونی این امر و رسیدگی به شکایات و حقوق مردم بر عهده دیوان عدالت اداری می‌باشد.

واژگان کلیدی: دیوان عدالت اداری، عوارض، شوراهای شهر، اصل صلاحیت، اصل قانونی بودن.

مقدمه

نظام عدالت اداری به نظام دادگاه ها و دیوان‌هایی اطلاق می‌شود که اعمال کننده صلاحیت بر دعاوی مربوطه به مدیریت عمومی می‌باشند. موضوع دعاوی اداری، اعمال اداری است که به اعمال حقوقی و مادی و مادری مراجع اداری (واحدهای ملی، محلی و ماموران آنها) که در مقام اقتدار عمومی اتخاذ شده و می‌تواند حقوق، آزادی‌ها و منافع اشخاص حقیقی و حقوقی را تحت تاثیر قرار دهد؛ دلالت دارد و دادرسی اداری به فرآیند تقویم، رسیدگی، تصمیم‌گیری پرونده‌های حقوقی توسط دادگاه‌ها و دیوان عدالت اداری اشاره دارد (ODIHR، ۲۰۱۳).

قانون اساسی نیز ضمن پذیرش حق دادخواهی و مراجعه به دادگاه صالح قانونی (اصل ۳۴) در اصول معتدد (اصول مندرج در فصل سوم و یازدهم) یک سری از اصول دادرسی منصفانه را مورد شناسایی و تضمین قرار داده است که از جمله آنها پیش بینی دیوان عدالت اداری برای تحقق عدالت اداری است (اصل ۱۷۳) (مجتبی همتی، ۱۳۹۶).

بنابراین قانون دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۴ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت و این دیوان در سال ۱۳۶۱ با ده شعبه رسماً شروع به کار کرد. سازمان قضائی دیوان عدالت اداری در حال حاضر عبارت است از شعب بدوی، شعب تجدید نظر و یک هیئت عمومی که هر کدام دارای وظایف خاصی هستند.

قانون شهرداری‌ها در طول زمان و حسب نظام‌های حاکم بر کشور به دگرگونی‌های بسیاری دچار گردیده است و به تبع آن وظایف آن نیز کم و زیاد شده است. به طور کلی در حال حاضر می‌توان وظایف شهرداری را به پنج گروه تقسیم کرد.

الف: وظایف عمرانی ب: وظایف خدماتی ج: وظایف نظارتی و حفاظتی د: وظایف رفاهی ه: مدیریت منابع (کامیار، ۱۳۸۵: ۵۴). شهروندان همه‌ی انواع خدمات محلی را مطالبه‌گر بوده و بر مقامات محلی برای سرمایه‌گذاری در این برنامه‌ها فشار می‌آورند (other and honadel، ۲۰۰۴).

علاوه بر این انتظارات مردم افزایش یافته و خوهان سیستم مدیریتی و برنامه ریزی شهری اند که در دسترس بوده و در مقابل نیازهای آنان پاسخگو و مسئول باشند (مراد مسیحی، ۱۳۸۱: ۲۰۴).

منابع مالی محلی، مهم‌ترین عامل خودگردانی سازمان‌های محلی است که می‌تواند هدف‌های حیاتی مذکور را محقق سازد. در این راستا عوارض محلی و بهای خدمات شهرداری از اساسی‌ترین منابع جهت تامین درآمدهای پایدار شهرداری به عنوان یک نهاد محلی هستند که این امر باید به خوبی و به طور کامل تامین شود (ولیکانی دهقانی، طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴۰).

با تصویب قانون شهرداری‌ها در سال ۱۳۰۹ و واگذاری شهرداری‌ها به وزارت کشور، عملاً بودجه و منابع مالی شهرداری‌ها به دولت و بودجه ملی گره خورد؛ اما همزمان با اتخاذ سیاست‌های تعدیل از اواسط دهه‌ی ۱۳۶۰ سیاستی با این مضمون در دستور کار دولت قرار گرفت که ادارات دولتی و سازمانهای عمومی باید حتی الامکان به صورت خودبسنده درآمد کسب کنند و به تأمین هزینه‌های خود بپردازند (اکبرپور سراسکانرود و میرزاجانی، ۱۳۸۹: ۵۵).

با در نظر گرفتن این موارد و افزایش روز افزون مطالبات مردم از شهرداری‌ها، چنین نهادهایی برای انجام وظایف خود و ارائه خدمات بهتر نیاز به تامین اعتبار و تامین مالی مناسب دارند. وجوهی که دولت و شهرداری‌ها مطابق قانون برای تامین هزینه‌های مذکور دریافت می‌کنند، تحت عنوان مالیات و عوارض وصول می‌شود.

بر طبق متن مصوب طرح جامع پایدار و سایر منابع مالی شهرداری، عوارض عبارت است از « مبلغی که شهرداری از اشخاص حقیقی و حقوقی مطابق اختیارات قانونی برای تامین مخارج عام و خاص و یا اعمال سیاست‌های تشویقی و یا بازدارنده، اخذ می‌نماید» (کامیار، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

شهرداری‌ها عمده هزینه‌های ارائه خدمات خود را از محل عوارض مختلف از شهروندان تامین می‌نمایند، در این راستا شهرداری‌ها به دنبال ایجاد منابع درآمدی پایدار هستند. یکی از منابع درآمدی پایدار وصول عوارض و بهره قانونی تعیین شده از شهروندان در قبال خدماتی که از شهرداری دریافت می‌کنند. این گونه عوارض عبارت اند از: عوارض نوسازی، کسب و پیشه، عوارض سالیانه خودرو و بهای ناشی از بهره برداری خدمات عمومی شهری (سعیدی میر آباد، ۱۳۹۰، به نقل از خمر و جوادیان، ۱۳۹۴: ۲۲).

منابع مالی به قدری برای شهرداری‌ها مهم است که پیتر هال و فایفر گفته‌اند: «شهرهایی که درآمد کافی نداشته باشند به از دست دادن خود مختاری و وابستگی به بودجه ملی گرایش پیدا می‌کنند. خود مختاری مالی مبنای دموکراسی قدرتمند و پایدار است.» (هال و فایفر، ۱۳۸۸).

فصل دوم قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵ صلاحیت و حدود اختیارات دیوان را در ۷ ماده بیان کرده است. مهم‌ترین آنها مواد ۱۳ و ۱۹ می‌باشند که به ترتیب صلاحیت‌ها و حدود اختیارات شعب و هیئت عمومی دیوان را بیان می‌کنند. طبق ماده ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری، یکی از صلاحیت و حدود اختیارات هیئت عمومی دیوان، رسیدگی به شکایات و تظلمات و اعتراضات اشخاص حقیقی و حقوقی

از آیین نامه‌ها و سایر نظامات و مقررات دولتی و شهرداری‌ها از حیث مخالفت مدلول آنها با قانون و احقاق حقوقی اشخاص و .. است. که مبانی دیوان عدالت اداری در خصوص عوارض در این حیثه از وظایف آنها قرار دارد (میرداماد نجف آبادی، ۱۳۹۰: ۳۶).

بنابراین شوراهای محلی در برقراری عوارض ملزم به رعایت الزامات قانونی هستند و نمی‌بایست خلاف موازین قانونی و مغایر با وظایف قانونی به وضع و اخذ عوارض محلی اقدام نمایند. یا به عنوان نمونه، خارج از محدوده جغرافیایی حوزه صلاحیت خویش و برای مشاغلی که حوزه صلاحیت آنها ملی بوده، عوارض محلی تصویب و دریافت نمایند (خمره لوییان، ۱۳۹۵).

هدف از ارائه این پژوهش مروری بر مبانی وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر در آراء دیوان عدالت اداری می‌باشد. سؤالی که در صدد پاسخگویی به آن در تحقیق برآمده شد؛ چگونگی وضع عوارض توسط شوراهای اسلامی شهر می‌باشد. جامعه مورد مطالعه، پرونده‌ها و منابع پیشین در ارتباط با موضوع بود که از روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش بدست آمد. همچنین برای اطمینان از دو اصل مطرح شده در تحقیق از آراء دیوان عدالت اداری در خصوص عوارض بر ارزش افزوده استفاده گردید.

در مورد مبانی عوارض در آراء دیوان عدالت اداری پژوهش‌های قبلی صورت گرفته است که در این تحقیق با توجه به همراستا بودن تحقیقات پیشین با این پژوهش و همچنین اهمیت پژوهش‌ها و یافته‌های گذشته به چند یک از آنها اشاره شده است.

امامی و سلیمانی (۱۳۹۲) در کاری با عنوان ضوابط تشخیص دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری به این نتیجه دست یافتند که ارائه ضوابط جهت تشخیص دعاوی قابل طرح در دیوان عدالت اداری با هدف سفاف سازی حوزه‌ی صلاحیت این مرجع، کاری لازم و مفید است. بنابراین این نتیجه حاصل می‌شود که بررسی دستورات این مرجع و حدود اختیارات آن نیز در مبانی دستورات شوراهای اسلامی شهر لازم و ضروری است.

در تحقیقی با عنوان تحلیلی بر مبانی حقوقی منابع درآمد شهرداری‌ها با تأکید بر عوارض که توسط قدمی، سید رضائی و آزادی قطار (۱۳۹۲) صورت گرفته است؛ اظهار داشته اند که موادی از قانون شهرداری و قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران و قانون موسوم به تجمیع عوارض، وضع و اخذ عوارض جدید را بر عهده شوراها و شهرداری‌ها گذاشته است.

حمزه لوییان (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان اصول حقوقی ناظر بر تعیین عوارض محلی در رویه قضایی هیات عمومی دیوان عدالت اداری به این نتیجه رسید که رویکردی که در رویه قضایی هیات عمومی دیوان عدالت اداری مورد بررسی قرار گرفته است، رویکردی مضیق می‌باشد که در نهایت ادامه حیات و خدمات نهاد شهرداری را با محدوده وسیع وظایف و اختیارات با چالش مواجه می‌سازد. در حالیکه مقصود اصلی و نهایی اصول حقوقی حاکم بر فرآیند وضع و اخذ عوارض محلی، حفظ حقوق و آزادی شهروندان، تحقق مردم سالاری و حاکمیت قانون می‌باشد.

هاشم پور (۱۳۹۶) در پایان نامه خود با نام بررسی حقوق عوارض محلی در آیینی آراء دیوان عدالت اداری بیان داشته است که تعیین عوارض محلی به عهده شوراهای اسلامی شهر بوده و شوراها در حقیقت همچون پارلمان محلی با وضع قانون تعرفه عوارض محلی که طی فرآیندی به تصویب فرمانداری شهرها می‌رسد، منابع وصول آن را مشخص می‌نماید.

با عنایب به ارزش رویه قضایی، نقش دیوان عدالت اداری در توسعه حقوق عمومی و بهبود عملکرد شوراهای محلی، و جایگاه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به عنوان نهاد قضایی رویه ساز، شایسته است، مبانی استدلالی و مستندات قانونی هیات عمومی در تصمیمات اتخاذی شورای اسلامی شهر در حوزه عوارض مورد بحث و بررسی قرار گرفته شود.

۱. صلاحیت وضع عوارض توسط شورای شهر

شورای شهر از مصادیق نهاد شورا است که جایگاه و تاثیر بسیاری در اداره امور شهری دارد. بدین منظور، استقرار حق و وضع عوارض برای این نهاد برای تحقق مدیریت مطلوب این شورا لازم و ضروری است. بر این اساس، در قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شهرداران، مقنن در بیان صلاحیت‌های شورای شهر و در بند ۱۶ ماده ۷۱، تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و تغییر نوع میزان آن را از اختیارات این شورا مقرر کرده است (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور). در این زمینه باید گفت مفاد ماده‌ی مزبور، این موضوع به صورت لایحه تقدیم شورای شهر می‌شود و شورا در این زمینه صرفاً صلاحیت مقبولیت یا رد لایحه‌ی پیشنهادی شهرداری را به عهده خواهد داشت. همچنین با عنایت به صراحت قانون در ارائه‌ی این امر به صورت لایحه، اعضای شورای اسلامی شهر حق ابتکار مقررات در ارائه‌ی این امر به صورت لایحه، اعضای شورای اسلامی شهر حق ابتکار مقررات گذاری در این زمینه را ندارند و نمی‌توانند وضع عوارض را به صورت طرح در صحن شورا مطرح کنند. البته تغییر نوع و میزان این عوارض، به صورت طرح ممکن خواهد بود.

در ماده ۷۷ اصلاحی ۱۳۶۸/۸/۲۷ نیز قانون گذار وضع عوارض متناسب با تولیدات و درآمدهای اهالی به منظور تامین بخشی از هزینه‌های خدماتی و عمرانی مورد نیاز شهر بر اساس آیین نامه‌ی مصوب هیات وزیران توسط شورای شهر را از دیگر اختیارات شورای شهر دانسته‌اند (قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور).

در خصوص صلاحیت شوراهای اسلامی شهر در خصوص وضع عوارض در آراء دیوان عدالت اداری می توان به رای شماره ۷۲۴ تا ۷۵۹ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۱۱؛ رای شماره ۲ مورخ ۱۳۸۹/۱/۱۶ و رای شماره ۳۴۴ مورخ ۱۳۸۸/۴/۳۰ هیات عمومی دیوان عدالت اداری اشاره کرد که به صراحت و با استناد به تبصره ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده، صلاحیت شوراهای اسلامی در وضع عوارض را محدود و منحصر در عوارض محلی می داند. به عنوان مثال با توجه به کشوری بودن موسسات مالی و بانکها دیوان عدالت اداری در آراء صادر شده در این زمینه مانند رای شماره ۲۷۵ تا ۲۹۳ مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۸ و شماره ۱۶۸۱ تا ۱۷۳۵ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۴ هیات عمومی دیوان عدالت اداری، وضع و اخذ عوارض برای آنها را در صلاحیت شورای اسلامی شهر نمی داند.

علاوه بر این هر شهرداری دارای تعرفه ای خواهد بود که در آن کلیه انواع عوارض و بهاء خدمات و سایر درآمدهایی که به وسیله شهرداری و موسسات تابع و وابسته به آن وصول یا تحصیل می شود. درج و هر نوع عوارض یا بهاء خدمات جدیدی که وضع و تصویب می گردد یا هر تغییری که در نوع و میزان نرخ آن صورت می گیرد در تعرفه مذکور منعکس می گردد. لذا از نقاط برجسته و حائز اهمیت قانون مالیات بر ارزش افزوده نحوه وضع عوارض محلی جدید توسط شورای اسلامی شهر است که تکلیف آنها در این قانون مشخص شده باشد. شوراها می توانند در هنگام وضع عوارض جدید یا در زمان مقتضی نسبت به موارد معافیت، کاهش، تخفیف و لغو عوارضی که تصویب نموده اند اتخاذ نمایند و حداکثر تا ۱۵ بهمن هر سال برای سال های آتی بایستی عوارض محلی جدید توسط شورای اسلامی شهر تصویب شود (قانون مالیات بر ارزش افزوده). بنابراین نقش حیاتی شورای اسلامی شهر در تعیین عوارض مشخص می شود.

۲. قانونی بودن وضع عوارض توسط شورای شهر در پرتو آراء دیوان عدالت اداری

قانونی بودن یکی از مهم ترین رکن های اجرا یک امر در سطح اجرایی می باشد. بنابراین قانونی بودن وضع عوارض یعنی این عمل دارای مجوز و مستند قانونی باشد و توسط قوه قانونگذار یا توسط مقامی از قبل اجازه داده شود. عوارضی که مستند آن مجوز قانونی نباشد، پشتوانه ای حقوقی ندارند و لازم الاجرا نخواهد بود. دیوان عدالت اداری نیز در بسیاری از آراء صادره به این اصل توجه کرده است و براساس آن مبادرت به صدور رای کرده است، از جمله رای شماره ۸۲/۱۹۹ مورخ ۱۳۸۲/۵/۱۹ هیئات عمومی دیوان عدالت اداری که مقرر می دارد: «اخذ هر گونه وجه اعم از مالیات، عوارض و غیره از اشخاص منوط به حکم صریح قانونگذار است.» به طور مثال دیوان در رای شماره ۱۰/۳۱۶۴ - ۱۳۷۲/۱/۲۴ شهردار تهران به سبب وضع مقررات در باب عوارض توسط مرجع غیر صلاح صادر می کند. این موضوع همچنین با عناوینی همانند خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات شورای اسلامی شهر می باشد.

۳. مبانی وضع عوارض ارزش افزوده توسط شورای اسلامی شهر در پرتو آراء دیوان عدالت اداری

وضع عوارض بر ارزش افزوده طبق اصول مطرح شده در پژوهش به عنوان نمونه کاربردی این اصول مورد توجه قرار گرفته است. که به توضیح آن در پرتو آراء دیوان عدالت اداری پرداخته شده است.

به کلیه اراضی و املاکی که بر اثر اجرای طرح های احداث، تعریض و توسعه و اصلاح معابر و میادین در بر گذر احداثی یا اصلاحی یا تعریضی یا توسعه ای واقع می شوند عوارض تحت عنوان ارزش افزوده برای باقیمانده زمین برای یک بار تعلق می گیرد که هنگام فروش تا دریافت پروانه پیمانکار (نسبت به سهم فروش رفته) از صاحبان این قبیل املاک برابر مفاد تبصره های این ماده واحده توسط شهرداری وصول خواهد گردید.

در این پژوهش به چهار قسم از عوارض بر ارزش افزوده توجه شده است که عبارتند از: الف) عوارض حاصل از تبدیل کاربری (ب) عوارض ناشی از تفکیک (ج) عوارض ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح تعریض (د) حاصل از توسعه شهری که این موارد در پرتو آراء دیوان عدالت اداری در رای شماره ۱۲۳۷ الی ۱۲۴۰ هیات عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ابطال بند ۱۵ و جزء الف بند ۱۷ و تبصره بند ۲۸ تعرفه عوارض محلی سال ۱۳۹۵ شورای اسلامی شهر لواسان و تایید بند ۹ و ردیف (ب) بند ۱۷ مصوبه مذکور که در شماره ۲۱۴۳۱ در تاریخ ۱۳۹۷/۷/۱۸ در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به درخواست ریس هیات عمومی دیوان عدالت اداری به چاپ رسید، بررسی می شود.

الف) عوارض حاصل از تبدیل کاربری: سیر تاریخی وضع عوارض و اخذ عوارض محلی طبق بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۲ عوارض محلی از جمله تغییر کاربری با پیشنهاد وزیر کشور و تصویب و با توجه به بخشنامه شماره ۳۴۱/۲۳۱۳۷ - ۱۳۶۶/۲/۵ بعد از تایید نماینده ولی فقیه از مضمولین اخذ شده است و طبق رای شماره ۵۸۷ - ۱۳۸۱/۳۱/۲۵ هیات عمومی دیوان عدالت اداری تجویز اخذ عوارض دیوانی از جمله تغییر کاربری بعد از ابقاء مستحذات در کمیسیون ماده ۱۰۰ به شرح مقرر در بخشنامه های شماره ۲۴۱۵/۳ - ۱۳۶۹/۱۱/۳۰ و ۱۰۷۴۰/۱/۳۴ - ۱۳۷۱/۶/۴ وزارت کشور، مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص نگردیده است.

با توجه به بند ۱۶ ماده ۷۱ قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور و انتخابات شهرداران مصوب ۱۳۷۵ با اصلاحات بعدی تصویب لوایح برقراری یا لغو عوارض شهر و همچنین تغییر نوع و میزان آن با در نظر گرفتن سیاستهای عمومی دولت که از سوی وزارت کشور اعلام می‌شود. از جمله وظایف و مسئولیت‌های شورای اسلامی شهرهاست و نظر به تبصره ۱ ماده ۵ قانون اصلاح موادی از قانون و برنامه سوم توسعه جمهوری اسلامی ایران موسوم به تجمیع عوارض مصوب ۱۳۸۱ و وضع عوارض محلی جدید و یا افزایش عوارض محلی که در این قانون مشخص نشده است و در حاکمیت قانون اخیر الذکر قانونگذار در بند ۳ ماده ۲۲ قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخش از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۴ در مقام تسریع در امر توسعه هتلها و اقامتگاه‌ها و سایر تاسیسات گردشگر به تغییر کاربری توسط کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در بند ۴ ماده مذکور و به وضع و پرداخت عوارض ناشی از تغییر کاربری با عبارت «عوارض ناشی از تغییر کاربری و فروش تراکم به اقساط پنج تا ده ساله از شروع بهره برداری توسط سرمایه گذاران به شهرداری مربوط پرداخت خواهد شد.» به صراحت بیان نظر نموده است و حسب تبصره ۱ ماده ۵۰ قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب ۱۳۸۷ وضع عوارض محلی جدید تکلیف آنها در این قانون مشخص نشده باشد تجویز شده است و در حاکمیت همین قانون طبق بند (ه) قانون بودجه سال ۱۳۹۶ جمهوری اسلامی ایران به تغییر کاربری در کمیسیون ماده ۵ مذکور عوارض تغییر کاربری و سایر عوارض شهرداری در مقام ساماندهی و بهینه سازی بخشی از املاک و فضاهای آموزشی، ورزشی و تربیتی خود با عبارت «تغییر کاربری به پیشنهاد شورای آموزش و پرورش و تصویب کمیسیون ماده ۵ قانون تاسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران صورت می‌گیرد و از پرداخت کلیه عوارض شامل تغییر کاربری، نقل و انتقالات املاک، گواهی بهره برداری، احداث، تخریب و پرداخت کلیه عوارض شهرداری معاف می‌باشند.» تصریحاً اشاره شده است.

ب) عوارض حاصل از تفکیک: در آراء متعدد هیات عمومی دیوان عدالت اداری وضع عوارض برای تفکیک در تمام اشکال آن در مصوبات شورای اسلامی شهر مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات تشخیص و ابطال شده‌اند.

ج و د) عوارض حاصل از ورود به محدوده قانونی ناشی از طرح تعریض یا توسعه شهری: طبق تبصره ۴ ماده قانون تعیین وضعیت املاک واقع در طرح‌های دولتی و شهرداری‌ها مصوب ۱۳۶۷ برای استفاده از مزایای ورود به محدوده شهری در قالب اخذ زمین رایگان حداکثر تا ۲۰ درصد تعیین تکلیف شده است.

نتیجه گیری

تعدد و تنوع بیش از حد عوارض، تعدد مراجع ذی نفع که در امر وصول عوارض نقش داشته‌اند، نرخ‌های غیر منطقی وجوه دریافتی، وجود انواع وسیع معافیت‌ها و همچنین پراکندگی قوانین و مقررات مربوط که توسط شوراهای اسلامی شهر وضع می‌شود؛ این امر موجب می‌شود که نهادی بر وضع عوارض و مبانی آن رسیدگی کند، که دیوان عدالت اداری این وظیفه را بر عهده دارد. دیوان عدالت اداری اصول متعددی را در زمینه عوارض مورد توجه قرار داده است. که نشان از حفظ و تضمین حقوق افراد و اشخاص دارد.

اصل قانونی بودن که مصادیق گوناگون آن در آراء دیوان عدالت اداری مورد توجه قرار گرفته است به اهمیت این اصل اشاره دارد. همچنین تعیین حدود برای وضع عوارض در آراء متعدد دیوان عدالت اداری، به حفظ حقوق عمومی در برابر ورود شوراهای اسلامی شهر به عوارض خارج از حد اختیارات خود اشاره دارد.

مشکلی امروزه به وفور در شکایاتی که به دیوان ارسال می‌شود، وضع عوارض ارزش افزوده از سوی شوراهای اسلامی شهر است که بعضی از این عوارض جنبه قانونی و در حد صلاحیت‌های شوراهای شهر نمی‌باشد؛ بنابراین دیوان عدالت اداری در آراء گوناگون دستور به ابطال آن داده است.

منابع و مراجع

- [۱] اکبرپور سراسکانرود، محمد، میرزاجانی، مهدیه (۱۳۸۹)، تحلیل عملکرد شهرهای جدید در نظام شهری کشور، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، شماره ۱، ص.ص ۱۵۰-۱۳۱.
- [۲] حمزه لوییان، پرگل (۱۳۹۵)، اصول حقوقی ناظر بر تعیین عوارض محلی در رویه قضایی هیات عمومی دیوان عدالت اداری، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده حقوق.
- [۳] خمر، غلامعلی، معصومه، جوادیان (۱۳۹۴)، «بیش بینی میزان درآمد حاصل از دریافت عوارض شهری شهرداری ها با استفاده از مدل شبکه عصبی (مطالعه موردی: شهر زابل)»، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۶(۲۲)، ص.ص ۳۴-۲۱.
- [۴] قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- [۵] قانون ارزش افزوده.
- [۶] قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور.
- [۷] قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵.
- [۸] کامیار، غلامرضا (۱۳۸۵)، حقوق شهری و شهرسازی، تهران: انتشارات مجد.
- [۹] مرادی مسیحی، وراز (۱۳۸۱)، برنامه ریزی استراتژیک در کلان شهرها، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- [۱۰] میر داماد نجف آبادی، سید علی (۱۳۹۰)، صلاحیت و حدود اختیارات دیوان عدالت اداری، مجله اندیشه‌های حقوقی عمومی، شماره ۱، ص.ص ۶۶-۳۵.
- [۱۱] ولیخانی دهقانی، ماشالله، طباطبایی، سید عباس (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل موثر بر تمایل شهروندان به پرداخت عوارض شهرداری»، مجله اقتصاد شهری، شماره ۱۲.
- [۱۲] هال، پیتر، اولریخ، فایفر (۱۳۸۸)، آینده شهری قرن ۲۱: برنامه جهانی برای شهرهای قرن بیست و یکم، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران.
- [۱۳] همتی، مجتبی (۱۳۹۵)، «تحلیل قانون دیوان عدالت اداری از منظر استاندارهای خاص دادرسی منصفانه اداری؛ نگاهی به رویه دادگاه‌ها اروپایی حقوق بشر»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، ۵۵(۱۹).
- [14] Honadle, Bethwalter, Costa, James M, and Cigler.Beverly (2004). Fiscal health for local government: an introduction to concept practical analysis, and strategies. Elsevier Academic press. Printed in the United States of America.
- [15] ODiHR: Folk Bernadotte Academy (FBA) and Office for Democratic Institutions and Human Right (ODIHR), (2013).Monitoring Adiministrative Justice, Homdbok, available at: www.osce.Orglodihr, last visited: 2016, 28, 60.